



University of Tehran Press

Private Law

Home Page: <https://jolt.ut.ac.ir>

Online ISSN: 2423-6209

Conflict of Laws in Civil Liability Claims Caused by Defamation in the Laws of England, European Union and Iran

Sayyed Hussein Safaei Moafi^{1*} | Reza Maghsoudi Pashaki² | Reza Daryaei³

1. Corresponding Author, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities. university of Guilan. Rasht. Iran. E-mail: sayyidhsafaei@gmail.com
2. Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht., Iran. E-mail: rmaghsoody@guilan.ac.ir
3. Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht. Iran. E-mail: reza.daryaei@guilan.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received October 01, 2023
Revised February 13, 2024
Accepted April 28, 2024
Published online 09 September 2024

Keywords:
conflict of laws,
defamation,
lex loci delicti,
lex fori.

ABSTRACT

With the development of communication and media tools, defamation cases have transcended national borders, so the international elements involved in such cases can be very numerous. Therefore, the legal systems should provide choice of law rules for the courts that have an appropriate effect. This research will investigate that what kind of rules are used in the legal systems of England, the European Union and Iran to determine applicable law. Are these rules compliant with the conditions of defamation claims? In the studied legal systems, no special rule has been designed for defamation. In the European Union, due to the exception of defamation from the general rules of conflict of laws, national rules are applied. In Iranian law, only the general rule of *lex fori* is applicable, but in English law, according to common law, defamation must be held liable by both the *lex fori* and the *lex loci delicti*. This research will demonstrate that the rules provided in these legal systems are ineffective and have to conform to defamation lawsuits.

Cite this article: Safaei Moafi, S. H.; Maghsoudi Pashaki, R. & Daryaei, R. (2024). Conflict of Laws in Civil Liability Claims Caused by Defamation in the Laws of England, European Union and Iran. *Private Law*.21 (1), 55-69. DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2024.365936.1007231>



© Sayyed Hussein Safaei Moafi, Reza Maghsoudi Pashaki, Reza Daryaei
Publisher: University of Tehran Press.
DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2024.365936.1007231>



تعارض قوانین در دعاوی مسئولیت مدنی ناشی از هتک حیثیت در حقوق انگلستان، اتحادیه اروپا، و ایران

سید حسین صفایی معافی^{۱*} | رضا مقصودی پاشاکی^۲ | رضا دریایی^۳

۱. نویسنده مسئول، گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. رایانامه: sayyidhsafaei@gmail.com
۲. گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. رایانامه: rmaghsoody@guilan.ac.ir
۳. گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. رایانامه: reza.daryaei@guilan.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۱۹

کلیدواژه:

تعارض قوانین،

قانون محل وقوع فعل زیان‌بار،

قانون مقر دادگاه،

هتک حیثیت.

امروزه با پیشرفت ارتباطات و ابزار رسانه‌ای، دعاوی هتک حیثیت از مرزهای ملی فراتر رفته است؛ طوری که عناصر بین‌المللی دخیل در این دعاوی می‌تواند بسیار متعدد باشد. بدین جهت، نظام‌های حقوقی باید قواعد انتخاب قانونی را در اختیار محاکم قرار دهند که کارایی مطلوبی داشته باشد. در این پژوهش بررسی خواهد شد که نظام‌های حقوقی انگلستان، اتحادیه اروپا، و ایران چه قاعده حل تعارض قوانینی را در ارتباط با دعاوی هتک حیثیت به کار می‌گیرند؟ آیا این قواعد با شرایط دعاوی هتک حیثیت هماهنگی دارد؟ در نظام‌های حقوقی مورد مطالعه هیچ‌گونه قاعده انتخاب قانون ویژه‌ای برای هتک حیثیت طراحی نشده است. در اتحادیه اروپا، با توجه به خروج هتک حیثیت از قواعد کلی تعارض قوانین، مقررات ملی در این رابطه اعمال می‌شود. در حقوق ایران تنها قاعده کلی حاکمیت مقر دادگاه قابل اعمال خواهد بود. اما در حقوق انگلستان، مطابق حقوق عرفی، هتک حیثیت باید هم مطابق قانون مقر دادگاه و هم مطابق قانون محل وقوع عمل زیان‌بار مسئولیت‌آور باشد. در این پژوهش، نشان داده خواهد شد که قواعد ارائه‌شده در این نظام‌های حقوقی ناکارآمد و نیازمند همگون‌سازی با دعاوی هتک حیثیت است.

استناد: صفایی معافی، سید حسین؛ مقصودی پاشاکی، رضا و دریایی، رضا (۱۴۰۳). تعارض قوانین در دعاوی مسئولیت مدنی ناشی از هتک حیثیت در حقوق انگلستان، اتحادیه اروپا، و ایران. حقوق خصوصی، ۲۱ (۱) ۵۵-۶۹.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2024.365936.1007231>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© سید حسین صفایی معافی، رضا مقصودی پاشاکی، رضا دریایی

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2024.365936.1007231>



مقدمه

امروزه، با توسعه ابزارهای رسانه‌ای و انتقال اطلاعات، ایجاد خسارت به حیثیت و اعتبار اشخاص توسط اطلاعات نادرست می‌تواند بدون توجه به مرزهای سیاسی کشورها در سراسر جهان واقع شود. بدین ترتیب، شهرت و موقعیت اجتماعی اشخاص از هر جای جهان در معرض ورود زیان قرار دارد. بنابراین، با توجه به گستردگی روش‌های ارتکاب هتک‌حیثیت و عدم ضرورت نزدیکی فیزیکی بین زیان‌زننده و زیان‌دیده^۱، عناصر خارجی دخیل در دعاوی هتک‌حیثیت فرامرزی می‌توانند بسیار متعدد باشند.

در این صورت، دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوا که از پیش صلاحیت خویش را احراز کرده است، با به‌کارگیری قواعد تعارض قوانین، باید قانون حاکم بر دعوا را مشخص کند. اما در دعاوی هتک‌حیثیت یافتن عامل ارتباط مناسب چندان ساده نیست. چون اعمال قواعد حل تعارضی که با ماهیت و شیوه‌های ارتکاب هتک‌حیثیت هماهنگی نداشته باشد آثار نامطلوبی برای اصحاب دعوا و نظم عمومی جامعه به همراه خواهد داشت؛ چنان که در چنین دعاوی‌ای دو حق آزادی بیان زیان‌زننده و حفظ حیثیت زیان‌دیده همواره در تعارض هستند، پیروی سیستم‌های حقوقی از عامل ارتباطی نامناسب تعادل این دو حق را بر هم می‌زند و منجر به بی‌عدالتی نسبت به یکی از طرفین دعوا می‌شود. این امر به‌خصوص در جایی مشکل‌ساز است که اعمال قانون تعیین شده به وسیله قواعد حل تعارض با سنت کشورهای دخیل در دعوا مغایر باشد. در این وضعیت، حقوق بشر، به‌ویژه آزادی بیان، به‌شدت در معرض خطر نقض و تعدی قرار خواهد گرفت.

بنابراین، بررسی قواعد انتخاب قانون به‌کارگرفته‌شده در سیستم‌های حقوقی ضروری است تا در صورت آشکار شدن ناکارآمدی آن قواعد نسبت به دعاوی هتک‌حیثیت در جهت اصلاح آن اقدام شود. بدین ترتیب، قانونگذاران سیستم‌های حقوقی با ملاحظه میزان کارایی قواعد حل تعارض خود نسبت به دعاوی هتک‌حیثیت در خصوص تغییر رویکرد خود در جهت بهبود شرایط حقوقی اتخاذ تصمیم خواهند کرد. چون عدم توجه به کاستی‌های موجود در مقررات کنونی می‌تواند سبب اعمال قواعد نامناسب در این زمینه شود که سیستم قضایی کشور را با چالش‌هایی مواجه می‌سازد.

با ملاحظه این مسائل، پژوهش حاضر در نظر دارد تا با مطالعه قواعد حل تعارض قوانین قابل اعمال نسبت به دعاوی هتک‌حیثیت در سیستم‌های حقوقی انگلستان، اتحادیه اروپا، و ایران، ضمن تحلیل چگونگی اعمال این قواعد، کاربرد آن را ارزیابی و نقد کند. بر این اساس، پژوهش پیش رو به این پرسش پاسخ خواهد داد که سیستم‌های حقوقی مورد مطالعه از چه قواعد حل تعارضی در ارتباط با دعاوی هتک‌حیثیت استفاده می‌کنند؟ آیا به‌کارگیری این قواعد توانسته دستاورد مطلوبی را در پی داشته باشد یا این سیستم‌ها نیازمند وضع قواعد تازه‌ای هستند؟

پیش از این، پژوهش‌هایی درباره قواعد حل تعارض حاکم بر دعاوی مسئولیت مدنی انجام گرفته، ولی تاکنون هیچ پژوهشی به طور خاص به قواعد انتخاب قانون قابل اعمال نسبت به دعاوی هتک‌حیثیت نپرداخته است. بنابراین، تفاوت این نوشتار با پژوهش‌های پیشین در آن است که به طور خاص قواعد حل تعارض قوانین سیستم‌های حقوقی انگلستان، اتحادیه اروپا، و ایران در ارتباط با دعاوی هتک‌حیثیت و شیوه عملی کاربرد آن را مطالعه و ارزیابی خواهد کرد.

در مبحث نخست، تعریف هتک‌حیثیت که مفهوم اساسی این نوشتار است تبیین خواهد شد تا قلمرو و موضوع پژوهش مشخص شود. در مبحث دوم، وضعیت اعمال قواعد حل تعارض قوانین موجود نسبت به دعاوی هتک‌حیثیت در حقوق انگلستان ملاحظه و ارزیابی خواهد شد. در مبحث سوم، رویکرد قانونگذاران اتحادیه اروپا در ارتباط با قواعد انتخاب قانون در دعاوی هتک‌حیثیت مطالعه خواهد شد و مورد نقد قرار خواهد گرفت. مبحث چهارم به بررسی وضعیت قواعد حل تعارض قوانین ایران و شیوه اعمال این قواعد در دعاوی هتک‌حیثیت پرداخته است.

تبیین مفهوم هتک‌حیثیت

در حقوق انگلستان، هتک‌حیثیت^۲ یکی از موارد مستوجب مسئولیت مدنی است (Elliot & Quinn, 2017: 229) و در تعریف آن

۱. این در حالی است که حتی اگر در بسیاری از انواع خسارات لزومی به چنین مجاورت فیزیکی وجود نداشته باشد حقوق کشورها وجود آن را شرط دانسته‌اند. مثلاً، در حقوق انگلستان زیان‌دیدگان ثانویه روانی لزوماً باید در صحنه حادثه حضور فیزیکی داشته باشند (صفایی معافی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۶۶ - ۲۶۷).

2. defamation

بیان شده که عبارت است از «انتشار گفته نادرست درباره یک شخص که بدین وسیله قصد دارد حیثیت آن شخص را در نظر اعضای منصف جامعه بکاهد یا باعث شود که آنان از وی بگریزند یا دوری کنند.» (Martin, 2011: 159). بدین ترتیب، کاهش اعتبار اشخاص در جامعه عنصر اساسی در تعریف هتک حیثیت است و هدف حقوق وضع شده در این خصوص جلوگیری از ایجاد خسارت به حیثیت اشخاص و حمایت از آن است.

برخلاف انگلستان، که تعریف و عنوان مشخصی از هتک حیثیت در حقوق این کشور وجود دارد، قانون مدنی ایران به طور روشن تعریفی از هتک حیثیت ارائه نکرده است و حقوقدانان ایرانی مفهوم هتک حیثیت را در ذیل عنوان خسارت معنوی مطالعه کرده و آن را یکی از مصادیق خسارت معنوی دانسته‌اند (افشار، ۱۳۹۴: ۵۱ - ۵۳؛ پروین، ۱۳۸۲: ۱۳ - ۱۸؛ سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۳۰ - ۳۴). سازگار با همین نگرش، تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز هتک حیثیت را به عنوان مصداق از زیان معنوی معرفی کرده و مقرر داشته زیان دیده می‌تواند جبران همه ضرر و زیان‌های معنوی ناشی از جرم را از زیان‌زننده بخواهد.

با وجود این، به نظر می‌رسد با توجه به مواد قانون مسئولیت مدنی ایران می‌توان مفهوم مستقلی برای هتک حیثیت ارائه داد؛ چنان که ماده ۸ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی ایران به صراحت به قابل جبران بودن هتک حیثیت اشاره کرده و امکان طرح چنین دعوی را به زیان دیده داده است. در نتیجه، استفاد از مواد قانون مسئولیت مدنی هتک حیثیت را می‌توان به «تصدیق یا انتشار امری مخالف واقع که به حیثیت یا اعتبار و موقعیت اجتماعی دیگری زیان وارد آورد» تعریف کرد. البته در قوانین کیفری ایران نیز جرایم افترا، نشر اکاذیب، و توهین مفهوم مشابهی دارند. ولی هیچ‌یک به‌تنهایی مفهوم یادشده هتک حیثیت را در بر نمی‌گیرند.

مستفاد از ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی در بخش تعزیرات، یک رفتار تنها در صورتی افترا تلقی می‌شود که زیان‌زننده «ارتکاب جرمی» را به دیگری منتسب کند و اظهار سایر گفتارهای دروغین افترا محسوب نمی‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳: ۵۲۱ - ۵۲۳). اما دعوی هتک حیثیت تنها انتساب جرم به دیگری را شامل نمی‌شود، بلکه هر گونه انتساب امر دروغین که سبب کسر اعتبار و آبروی شخص زیان دیده شود هتک حیثیت محسوب می‌شود. همچنین، به موجب ماده ۶۹۸ قانون یادشده، هر گاه شخصی با قصد اضرار به دیگری و تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی دروغ‌هایی را بیان کند یا به دیگری نسبت دهد، آن شخص مرتکب جرم نشر اکاذیب شده است. از این رو، هر چند جرم نشر اکاذیب در قانون مجازات اسلامی ایران نیز بخشی از مفهوم هتک حیثیت را در بر می‌گیرد، نمی‌تواند به طور کامل برابر با آن باشد. چون در هتک حیثیت ضرورت کسر اعتبار و حیثیت زیان دیده دارای اهمیت است؛ اما در نشر اکاذیب صرف تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی برای تحقق این جرم کافی است.

علاوه بر این، مطابق مواد ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی ایران، توهین به هر گونه رفتاری اشاره دارد که به شکلی سبب وهن، یعنی سست و خفیف کردن حیثیت دیگری در نظر افراد متعارف و معمولی جامعه، بشود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳: ۴۷۹). مهم‌ترین تفاوت توهین و هتک حیثیت در این است که علنی بودن شرط تحقق توهین نیست و این جرم حتی می‌تواند در یک مکان خصوصی و بدون وجود شاهد ارتکاب یابد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳: ۴۹۰). اما در هتک حیثیت عنصر «نشر» نقش اساسی دارد و اگر گفتار افتراآمیز به دیگران نرسد هتک حیثیت به وقوع نمی‌پیوندد. از سوی دیگر، در جرم توهین رفتار ارتکاب یافته باید «بی‌ادبانه» تلقی شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳: ۴۸۴)؛ این در حالی است که در هتک حیثیت لزومی به بی‌ادبانه بودن گفتار یا رفتار مورد دعوا وجود ندارد.

در نتیجه، مفهوم هتک حیثیت مدنظر این پژوهش را باید یک عنوان مستقل دانست که هر چند مشابهت‌هایی با جرایم یادشده دارد، برابر با آن‌ها نیست.

حقوق انگلستان

در مبحث پیش رو، ابتدا قواعد حل تعارض قابل اعمال نسبت به دعوی هتک حیثیت در حقوق انگلستان مطالعه می‌شود. سپس، در بخش دوم، رویکرد سیستم حقوقی انگلستان در این خصوص مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد.

قواعد تعارض قوانین قابل اعمال در هتک حیثیت

در حقوق انگلستان، قواعد تعارض قوانین در خصوص خطای مدنی^۱ و شبه‌جرم^۲ در قانون حقوق بین‌الملل خصوصی (مقررات متفرقه) ۱۹۹۵^۳ مقرر شده (Nielsen, 2013: 281) که بر اساس ماده ۱۱ آن، قانون محل ارتکاب عمل زیان‌بار حاکم بر دعوا خواهد بود. ولی دعاوی هتک‌حیثیت به موجب ماده ۱۳ قسمت دوم این قانون از دامنه شمول آن خارج شده است و بنابراین قاعده کامن‌لوی انتخاب قانون نسبت به این‌گونه دعاوی اعمال می‌شود (Briggs, 2013: 293) و دادگاه با استفاده از این قاعده حل تعارض باید نتیجه دعوا را معین کند.

بر اساس قواعد کامن‌لو در انگلستان، مطابق رأی Phillips v. Eyre (1870) از قاعده‌ای موسوم به «قاعده قابلیت شکایت دوجانبه»^۴ برای حل تعارض قوانین بهره برده می‌شود^۵ (Mills, 2015: 7-8). در این پرونده، دادگاه معتقد بود که عمل زیان‌بار باید به گونه‌ای باشد که اگر در انگلستان واقع می‌شد امکان شکایت داشت و همچنین مطابق حقوق کشور محل ارتکاب نیز قابل توجیه و تبرئه نباشد (Grušić & Mills, 2023: 109-130). بنابراین، قاعده یادشده تلفیقی از دو قاعده حاکمیت قانون مقر دادگاه^۶ و قانون محل ارتکاب خطا است؛ طوری که دعاوی هتک‌حیثیت باید مطابق هر دو قانون قابلیت طرح داشته باشد. از آنجا که مطابق حقوق انگلستان محل ارتکاب هتک‌حیثیت جایی است که مطالب افتراآمیز دریافت و خوانده می‌شود (Mills, 2017: 280) وضعیت اعمال قاعده کامن‌لوی تعارض قوانین را می‌توان در دو صورت متصور شد.

نخست در صورتی که هم نشر مطالب موضوع هتک‌حیثیت در انگلستان باشد هم بروز خسارت به حیثیت زیان‌دیده در این کشور واقع شود محل ارتکاب هتک‌حیثیت در انگلستان محسوب می‌شود و قانون این کشور حاکم خواهد شد (Rogerson, 2013: 367). چون محل دادگاه رسیدگی‌کننده و ارتکاب خطا یکسان است و بنابراین به سایر عناصر خارجی دعوا توجهی نخواهد شد.

علاوه بر این، قاعده‌ای در حقوق انگلستان پذیرفته شده که مطابق آن هر وقت گفتار افتراپی به شخص دیگری غیر از فرد مورد افترا انتقال یابد یک خطای افترای مجزا ارتکاب یافته است و مبنایی برای طرح دعوا قرار می‌گیرد (Hartley, 2009: 278). از همین جهت، خواهان دعاوی هتک‌حیثیت می‌تواند ادعای خویش را به خسارات واقع‌شده در انگلستان محدود کند و دادگاه انگلیسی تنها به همان بخش رسیدگی خواهد کرد. در این صورت، بی‌گمان تنها قانون انگلستان حاکم بر دعوا خواهد شد. دومین موقعیت زمانی مصداق پیدا می‌کند که انتشار مطالب افتراپی در خارج از انگلستان باشد و دعوا نزد دادگاه انگلیسی مطرح شود. در این صورت، دادگاه موظف است تا نسبت به مقایسه قانون مقر دادگاه و قانون محل ارتکاب خطا اقدام کند؛ طوری که هتک‌حیثیت باید به موجب هر دو قانون مسئولیت‌آور باشد (Hörnle, 2021: 401). بنابراین، اگر دعوا مطابق با قانون خارجی قابل طرح باشد، لیکن قانون انگلستان زیان‌زننده را از تحمل بار مسئولیت برهاند، دادگاه حکم به بی‌حقی خواهان صادر خواهد کرد. به نظر می‌رسد، ملاحظه موقعیت اخیر باشد که قانونگذاران انگلیسی را نسبت به خروج هتک‌حیثیت از شمول صرف قاعده محل وقوع عمل زیان‌بار ترغیب کرده است. زیرا اعمال قاعده کامن‌لو سبب می‌شود تا خواندگان افترا از حداقل حمایت‌های قانونی فراهم‌شده توسط حقوق داخلی خود بهره‌برند که چه‌بسا قانون خارجی چنین حمایت‌هایی را به آنان اعطا نکند. از سوی دیگر، با توجه به ماهیت حساس و عمومی هتک‌حیثیت حفظ این قاعده می‌تواند مانع اعمال حقوق خارجی در قلمرو سرزمینی انگلستان شود.

گفتنی است، قاعده کامن‌لوی انتخاب قانون در آرای متعاقب، با ایجاد استثناهایی، انعطاف بیشتری یافت (Aldag, 2017: 367-368).

1. tort

2. delict

3. Private International Law (Miscellaneous Provisions) Act 1995

4. double-actionability rule

۵. مطابق این قاعده یک عمل زیان‌بار باید هم به موجب قانون انگلستان قابل شکایت باشد، یعنی اگر آن عمل در این کشور واقع می‌شد، قابلیت طرح دعوا را داشت و هم براساس قانون کشور خارجی که عمل در آنجا واقع شده است. البته در موارد استثنائی یک موضوع خاص بین طرفین می‌تواند به وسیله قانون کشوری حکم شود که در ارتباط با آن موضوع، عمده‌ترین و اساسی‌ترین ارتباط را با دعوا و طرفین دارد (Rogerson, 2013: 367-368).

6. lex fori

18-19)، به موجب آرای (1971) Boys v. Chaplin و (1995) Red Sea Insurance Co Ltd v Bouygues SA دادگاه انگلیسی می‌تواند در صورتی که حقوق یکی از دو کشور محل دادگاه و محل ارتکاب خطا عمده‌ترین ارتباط را در خصوص موضوع خاص دعوا با طرفین و حادثه آسیب‌زا داشته باشد، تنها همان قانون را نسبت به دعوا اعمال کند (Grušić, 2018: 1008)؛ هرچند که ادعا بر اساس قانون محل دادگاه یا ارتکاب خطا قابل طرح نباشد. بنابراین، در دعوی هتک حیثیت نیز اگر دعوا با یکی از دو کشور انگلستان یا محل انتشار مطالب افتراآمیز ارتباط بیشتری داشته باشد، دادگاه می‌تواند تنها همان قانون را اعمال کند.^۱ مثلاً، اگر میزان انتشار مطالب افتراآمیز در یک کشور خاص بسیار کم باشد، چندان دور از انتظار نیست که دادگاه انگلیسی تنها قانون کشور خود را به کار گیرد.

البته باید گفت، مطابق ماده ۹ قانون هتک حیثیت ۲۰۱۳ انگلستان، دادگاه‌های انگلیسی تنها در صورتی صلاحیت رسیدگی به دعوی هتک حیثیت را خواهند داشت که «دادگاه [انگلیسی] قانع شود از همه مکان‌هایی که اظهار [افترا]ی مورد شکایت در آن نشر یافته انگلستان و ولز به‌وضوح مناسب‌ترین مکان برای اقامه دعوا در مورد آن اظهار [افترا]ی است». به موجب این مقرر، دادگاه انگلیسی از همان ابتدا اگر خود را مناسب‌ترین مکان برای رسیدگی به دعوا تلقی نکند نسبت به آن اعمال صلاحیت نمی‌کند و از این جهت استثنای قاعده حل تعارض کامن‌لو نیز در عمل کارایی نخواهد داشت.

بررسی و نقد

در خصوص اعمال قاعده کامن‌لو انگلستان، عده‌ای آن را به‌خصوص در مورد هتک حیثیت اینترنتی مناسب دیده‌اند و عدم تمرکز این قاعده تنها بر یکی از عوامل ارتباطی را از نقاط قوت آن می‌دانند. زیرا گوناگونی گسترده اشخاص، اهداف، و زمینه‌هایی که در آن مراودات بین‌المللی واقع می‌شود نیاز به قاعده حل تعارضی که تنها تمرکز بر عامل خاصی نداشته باشد را تقویت می‌کند (Svantesson, 2016: 505-506). بدین ترتیب، با به‌کارگیری قاعده حل تعارض کامن‌لو اشخاص می‌توانند از حمایت‌های قانونی هر دو محل ارتکاب عمل زیان‌بار و محل دادگاه بهره‌مند شوند.

لیکن، به نظر می‌رسد اعمال قاعده قابلیت شکایت دوجانبه نسبت به دعوی هتک حیثیت نتواند عدالت را بین طرفین دعوا ایجاد کند؛ طوری که اعمال قاعده یادشده به نفع اصحاب رسانه و ناشران است و دامنه دعوی موفق هتک حیثیت را بسیار محدود می‌کند که همین امر می‌تواند زیان‌دیده را در تنگنا قرار دهد. زیرا با به‌کارگیری این قاعده خوانده می‌تواند هم به موانع ایجاد مسئولیت مدنی مقرر شده در حقوق انگلستان استناد جوید^۲ هم این امکان برای وی فراهم است تا اگر دعوا در کشور محل ارتکاب عمل زیان‌بار قابل طرح نباشد خود را از مسئولیت برهاند (Mills, 2017: 277). علاوه بر این، چون هتک حیثیت در برخی کشورها تنها واجد جنبه کیفری است و امکان طرح دعوی مدنی را به زیان‌دیده نمی‌دهد، در انگلستان نیز امکان طرح دعوی مدنی را از زیان‌دیده می‌گیرد (Hörnle, 2021: 401)؛ ضمن آنکه در تقابل دو حق آزادی بیان و حفظ حیثیت کشورهای مختلف ممکن است رویکردهای متفاوتی داشته باشند (غلام‌لو و دریایی، ۱۴۰۱: ۲۰۵) که این امر منجر به سردرگمی خواهان و غیرقابل پیش‌بینی شدن نتیجه دادرسی خواهد شد.

علاوه بر این، در بیشتر موارد در پرونده‌های هتک حیثیت چندین عنصر خارجی دخیل هستند. چون امروزه رسانه‌ها در زمان واحد در بسیاری از نقاط دنیا قابل دسترسی هستند و انتشار یک مطلب افتراآمیز می‌تواند به مخاطبین غیرقابل شمارشی در سراسر جهان برسد که هر بار مشاهده مطالب افتراآمیز می‌تواند خود خسارت و خطایی جداگانه تلقی شود (Gillies, 2012: 1011). بنابراین، در دعوی هتک حیثیت گاهی محل وقوع خسارت بسیار متعدد خواهد بود و اعمال قاعده حل تعارض قابلیت شکایت

۱. در دعوی (2018) Sophocleous v Secretary of State for Foreign and Commonwealth Affairs، دادگاه تجدیدنظر معتقد بود که استثنای قاعده قابلیت شکایت دوجانبه نباید به طور بسیار پیاپی مورد استفاده قرار گیرد. چون با استعمال پیاپی این استثنا اعطای صلاحیت به قانون انگلستان تبدیل به قاعده کلی می‌شود. <https://www.casemine.com/judgement/uk/5bbdd43a2c94e04246cc0501>, last visited 25/9/2023

2. defamation act 2013

۳. حقوق انگلستان دفاعیات متعددی را در اختیار اشخاص قرار داده است که متهمان افترا می‌توانند با تمسک به آن خود را از زیر بار مسئولیت برهاند (Elliot & Quinn, 2017: 241-256)؛ از جمله صداقت محتوای منتشرشده.

دوجانبه کارایی خود را در عمل از دست می‌دهد. زیرا تفکیک خسارات بر اساس محل وقوع آن در عمل غیرممکن به نظر می‌آید. این ملاحظه در خصوص موارد ارتکاب هتک حیثیت از طریق اینترنت بیشتر ایجاد مشکل می‌کند و نشان می‌دهد که این قاعده حل تعارض سنتی و قدیمی است و با شرایط جهان امروزی مطابقت ندارد.

در تقویت نظر اخیر می‌توان به رویکرد قانونگذاران نیوزلندی اشاره کرد که هتک حیثیت را از دامنه شمول قانون حقوق بین‌الملل خصوصی ۲۰۱۷ (انتخاب قانون در مسئولیت مدنی)^۱ خارج نکرده‌اند. بدین ترتیب، در حقوق نیوزلند با هتک حیثیت مانند دیگر خطاهای مدنی رفتار می‌شود و قاعده قابلیت شکایت دوجانبه در خصوص هتک حیثیت اعمال نمی‌شود. به عقیده برخی، این رویکرد حقوق نیوزلند مناسب است و حفظ قاعده قابلیت شکایت دوجانبه صرفاً در خصوص دعاوی هتک حیثیت بی‌فایده و ناکارآمد خواهد بود. زیرا هنگامی که یک شخص تصمیم به انتشار مطلبی فراتر از مرزهای کشور خویش می‌گیرد باید آماده پاسخگویی نسبت به محتوای اظهارات خود مطابق قانون حوزه قضایی محل نشر باشد (Wass & Hook, 2017: 25). البته به موجب ماده ۱۱ قانون یادشده دادگاه‌های نیوزلند می‌توانند هر قانون خارجی را که در تعارض با نظم عمومی کشورشان است اعمال نکنند و بدین ترتیب از حقوق اساسی شهروندان خود نیز حمایت خواهند کرد.

در نتیجه، به نظر می‌رسد قانونگذاران انگلیسی نیز در آینده از اعمال قاعده قابلیت شکایت دوجانبه در دعاوی هتک حیثیت دست کشند و قاعده جدیدی را در این باره معرفی کنند یا حداقل قواعد عمومی مقرر در قانون حقوق بین‌الملل خصوصی را برای هتک حیثیت نیز اعمال کنند.

حقوق اتحادیه اروپا

در این مبحث، بخش نخست به تبیین شیوه برخورد قواعد حل تعارض موجود در سطح حقوق اتحادیه اروپا با دعاوی هتک حیثیت اختصاص یافته است و در بخش دوم آثار و چگونگی اعمال این قواعد نسبت به دعاوی هتک حیثیت به چالش کشیده می‌شود.

قواعد تعارض قوانین قابل اعمال در هتک حیثیت

در خصوص قواعد حل تعارض قوانین موجود در سطح اتحادیه اروپا، دو مقرره جلب توجه می‌کند؛ مقررات رم ۲ در خصوص قانون قابل اعمال نسبت به تعهدات غیرقراردادی^۲ و دستورالعمل تجارت الکترونیک^۳. در ادامه هر یک از این دو مقرره و تأثیر آن بر نحوه تعیین قانون حاکم در دعاوی هتک حیثیت بررسی خواهد شد.

مقررات رم ۲

حقوق اتحادیه اروپا، به موجب بند ۱ ماده ۴ مقررات رم ۲، «قانون محل وقوع خسارت»^۴ را صرف‌نظر از محل وقوع اتفاق منجر به خسارت و محل وقوع نتایج غیرمستقیم آن به عنوان قاعده کلی حل تعارض قوانین در دعاوی الزام‌های خارج از قرارداد پذیرفته است.

اما، به موجب بند g ماده ۲، تعهدات غیرقراردادی ناشی از نقض حریم خصوصی و حقوق مرتبط با شخصیت از جمله هتک حیثیت از دامنه شمول این مقررات خارج شده است. چون در زمان مذاکرات برای تدوین مقررات رم ۲ مسئله هتک حیثیت و حریم خصوصی برای تعدادی زیادی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا، به علت تعارض بین حق آزادی بیان و حق حفظ حریم خصوصی، بسیار حساس بود (Kenny & Heffernan, 2015: 315-316). از همین جهت، این موضوع را «عرصه تمام‌عیار برخورد فرهنگ‌ها»^۵ نامیده‌اند. چون قاعده کلی مندرج در ماده ۴ منجر به اعمال قانون کشوری می‌شد که خسارت در آن واقع

1. Private International Law (Choice of Law in Tort) Act 2017

2. REGULATION (EC) No 864/2007 OF THE EUROPEAN PARLIAMENT AND OF THE COUNCIL of 11 July 2007 on the law applicable to non-contractual obligations (Rome II)

3. DIRECTIVE 2000/31/EC OF THE EUROPEAN PARLIAMENT AND OF THE COUNCIL of 8 June 2000 on certain legal aspects of information society services, in particular electronic commerce, in the Internal Market (Directive on electronic commerce)

4. lex loci damni

5. the perfect arena for cultural clashes

شده است؛ یعنی قانون کشور محل اقامت دائم زیان دیده (Nielsen, 2019: 37). این امر می‌توانست منجر به نقض آزادی بیان رسانه‌های اروپایی شود که اعتراض آنان را برمی‌انگیخت. در نتیجه، با توجه به عدم همسان‌سازی قواعد حل تعارض قوانین در سطح اتحادیه اروپا، دادگاه‌های کشورهای عضو ناگزیر به اعمال قواعد ملی تعارض قوانین خودشان نسبت به دعوی هتک حیثیت هستند. لیکن، در حال حاضر، کشورهای عضو اتحادیه اروپا هر یک رویکردی مستقل برای حل تعارض قوانین به کار گرفته‌اند (Kuipers, 2011: 1696-1697). در بین کشورهای عضو، تنها تعداد محدودی از سیستم حقوقی قاعده ویژه‌ای را در ارتباط با هتک حیثیت وضع کرده‌اند و باقی کشورهای عضو همان قواعد کلی تعارض قوانین مرتبط با تعهدات غیرقراردادی را در این زمینه به کار می‌برند (European Commission, 2009: 77). متداول‌ترین عامل ارتباطی استفاده‌شده در بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا قانون محل ارتکاب خطا است. با این حال، کشورهای عضو در تفسیر مفهوم «محل ارتکاب» رویکردهای متفاوتی را به کار گرفته‌اند (Council of Europe, 2019: 33). زیرا در خصوص دعوی هتک حیثیت در بسیاری از موارد، به علت توزیع گسترده مطالب افتراپی در بین کشورهای مختلف، تعیین دقیق محل وقوع خطا دشوار است.

دستور العمل تجارت الکترونیک

گفتنی است علاوه بر مقررات بروکسل ۱، در خصوص دعوی مسئولیت مدنی، ماده ۳ دستور العمل تجارت الکترونیک مقرراتی دارد که می‌تواند بر قواعد حل تعارض مؤثر واقع شود. مطابق بند ۱ این ماده «هر کشور عضو باید اطمینان حاصل کند که خدمات جامعه اطلاعاتی ارائه‌شده توسط ارائه‌دهنده خدمات مستقر در قلمرو آن با مقررات ملی قابل اجرا در کشور عضو مورد نظر که در زمینه هماهنگ^۱ قرار می‌گیرد مطابقت دارد». به علاوه، بند ۲ ماده یادشده بیان می‌دارد: «کشورهای عضو نمی‌توانند به دلایلی که در زمینه هماهنگ قرار می‌گیرد آزادی ارائه خدمات جامعه اطلاعاتی از یک کشور عضو دیگر را محدود کنند». این مقررات، هرچند به صورت غیرمستقیم، می‌تواند قانون قابل اعمال را تعیین کند.

در دعوی (eDate Advertising v X and O and R Martinez v. MGN Ltd. (2011)) دیوان دادگستری فدرال^۲ آلمان از دیوان دادگستری اتحادیه اروپا^۳ خواست تا به این پرسش پاسخ دهد که آیا مقررات یادشده، در ماهیت خود، می‌تواند یک قاعده حل تعارضی تلقی شود؟ دادگاه اروپایی معتقد بود که ماده ۳ دستور العمل هیچ تأثیری بر قواعد تعارض قوانین کشورهای عضو ندارد و در صدد هماهنگ‌سازی آن نیست.^۴ لیکن دادگاه اروپایی بیان داشت ارائه‌دهنده خدمات تجارت الکترونیکی نباید مشمول الزامات سختگیرانه‌تری نسبت به الزامات پیش‌بینی‌شده توسط قانون ماهوی کشور محل استقرار خود بشوند.^۵ بنابراین، کشورهای عضو همچنان مجازند تا با توجه به قواعد حل تعارض قوانین خودشان قانون ماهوی که نسبت به هتک حیثیت قابل اعمال است به اجرا گذارند؛ اما تا جایی که منجر به محدودیت آزادی خدمات جامعه اطلاعاتی که توسط قانون محل استقرار ارائه‌دهندگان چنین خدماتی اعطا شده نشود.

همین دیدگاه دوباره در دعوی Sotiris Pappasavvas v. O Fileleftheros Dimosia Etaireia Ltd. and Others (2014) توسط دیوان دادگستری اروپا مورد تأکید قرار گرفت.^۶

اما باید توجه داشته که دستور العمل یادشده تنها در خصوص «ارائه‌دهندگان خدمات» به کار گرفته می‌شود. بند b ماده ۲ دستور العمل ارائه‌دهندگان خدمات را عبارت از هر شخص طبیعی یا حقوقی دانسته است که خدمات جامعه اطلاعاتی را ارائه می‌کند. خدمات جامعه اطلاعاتی نیز به معنای خدماتی است که از راه دور به وسیله تجهیزات الکترونیکی توسط یک شبکه

۱. منظور از «زمینه هماهنگ» (coordinated field) در این دستور العمل «الزامات وضع‌شده در سیستم‌های حقوقی کشورهای عضو است که برای ارائه‌دهندگان خدمات جامعه اطلاعاتی یا خدمات جامعه اطلاعاتی قابل اعمال است؛ صرف‌نظر از اینکه ماهیت کلی داشته باشند یا به طور خاص برای آن‌ها طراحی شده باشند».

2. bundesgerichtshof

3. court of justice of the european union

4. <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/en/TXT/?uri=CELEX:62009CC0509>, last visited: 22/9/2023

5. <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/ALL/?uri=CELEX%3A62009CJ0509>, last visited: 22/9/2023

6. <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/en/TXT/?uri=CELEX:62013CJ0291>, last visited: 25/8/2023.

ارتباطات الکترونیکی، عموماً در ازای دریافت اجرتی به درخواست دریافت‌کننده آن خدمات، ارائه می‌شود (Asensio, 2020: 60). بدین ترتیب، به نظر می‌رسد این دستورالعمل نسبت به اشخاص عادی، مانند نویسندگان یک کتاب که آن را در یک وبسایت به اشتراک می‌گذارند، اعمال نشود؛ بلکه مالکین آن وبسایت و گردانندگان آن مشمول ارائه‌دهنده خدمات بشوند. زیرا مطابق تعریف ابرازشده نویسندگان عادی هیچ‌گونه خدمات برخطی را در فضای مجازی ارائه نمی‌دهند.

بررسی و نقد

خروج هتک حیثیت از دامنه شمول مقررات رم ۲ به دلیل وجود اختلاف‌هایی در بین کشورهای عضو بود و از این جهت طراحان این مقررات را نمی‌توان سرزنش کرد. چون خروج هتک حیثیت آسان‌ترین تصمیمی بود که در آن وضعیت اتخاذ شد؛ هرچند به جای رفع اختلاف و ارائه یک راه‌حل مطلوب که امری بسیار دشوار بود مسیر سهل مسکوت گذاشتن قواعد انتخاب قانون پیش گرفته شد.

ارائه قواعد همسان حقوق بین‌الملل خصوصی در زمینه هتک حیثیت که بتواند در چندین کشور مورد پذیرش قرار گیرد امری غیرممکن به نظر می‌آید. زیرا مسئولیت مدنی علاوه بر جنبه خصوصی و جبران خسارت اشخاص جامعه دارای جنبه عمومی است. جنبه عمومی حقوق مسئولیت مدنی در پی تنظیم رفتارهای جامعه است و ارتباط مستقیم با نظم عمومی یک کشور دارد و دولت‌ها به طور معمول اجازه دخالت سایر حاکمان را در چنین امور مهمی نسبت به جامعه خود نمی‌دهند. چون دولت‌ها رویکردهای گوناگونی را در ارتباط با دعاوی هتک حیثیت با توجه به ملاحظات فرهنگی و سیاسی خود به کار می‌گیرند؛ برخی حق آزادی بیان را بر پاره‌ای دیگر از حقوق بشری برتری داده‌اند و تعدادی دیگر نیز حمایت از حیثیت اشخاص جامعه را بر حق آزادی بیان مرجح می‌دانند. همین امر موجب شده تا سیستم‌های حقوقی بر اعمال قوانین خارجی در حوزه قلمرو خود بی‌ رغبت باشند. چگونه می‌توان در کشوری که آزادی بیان را برای اشخاص جامعه خود ضروری می‌داند قانونی را اعمال کرد که آزادی بیان اشخاص جامعه را از آنان سلب می‌کند.

بر این اساس، در صورتی که قانونگذاران بخواهند مقررات همسانی را در سطح اتحادیه اروپا تنظیم کنند ناگزیر به انتخاب قاعده‌ای هستند که بتواند تعادل مناسبی بین حقوق بشری ارج نهاده شده توسط کشورها ایجاد کند و اگر قاعده ارائه شده این تعادل را ایجاد نکند، سیستم‌های حقوقی آن را نخواهند پذیرفت. وجود این حساسیت‌ها در بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا و نیز اصحاب رسانه نشان می‌دهد که چرا طراحان مقررات اتحادیه اروپا، با اینکه برای بسیاری از خطاهای مدنی اقدام به وضع مقررات انتخاب قانون کرده‌اند، در حقوق مرتبط با شخصیت، از جمله هتک حیثیت، قاعده ویژه‌ای را پیش‌بینی نکرده‌اند.

اما فقدان مقررات یک‌دست در سطح اتحادیه اروپا باعث شده کشورهای عضو قوانین ملی خود را در ارتباط قواعد حل تعارض نسبت به دعاوی هتک حیثیت فرامرزی اعمال کنند؛ یعنی ممکن است به تعداد کشورهای عضو اتحادیه اروپا قواعد حل تعارض قوانین وجود داشته باشد. این مسئله به شدت بر یکنواختی قواعد حقوقی اروپایی تأثیر می‌گذارد، قابلیت پیش‌بینی و قطعیت حقوقی را به همراه ندارد، و خوانندگان را در معرض اعمال قواعد انتخاب قانون متعدد قرار می‌دهد. زیرا وجود ۲۶ قاعده حل تعارض قوانین مختلف در بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا پیش‌بینی آنکه کدام قانون حاکم بر دعوا خواهد شد را دشوار ساخته است. چون، با توجه به اینکه منطقه اروپا دربردارنده سنت‌های حقوقی مختلف بوده، این گوناگونی سنت‌ها در تنظیم قواعد حل تعارض نیز منعکس شده است. به همین جهت، برخی کشورها قاعده انتخاب قانونی را در سیستم‌های حقوقی ملی خود جا داده‌اند که به طور عمده به سمت حمایت از طرف آسیب‌دیده گرویده است (European Commission, 2009: 77-79)؛ چنان که مثلاً اعمال قاعده انتخاب قانون محل استقرار ناشر یا نشر مطالب به نفع خوانندگان بوده و کاربرد قاعده محل اقامت دائم زبان‌دیده یا محل وقوع خسارت بیشتر دلخواه خواهان است.

علاوه بر این، قواعد صلاحیت همسان مقررشده نیز اثر نامطلوبی بر قواعد تعارض قوانین گذاشته که منجر به پیچیدگی آن شده است و اصحاب دعوا را دچار سردرگمی می‌کند و مسیر را برای سوءاستفاده خواهان بسیار هموار می‌سازد.

به موجب صدر ماده ۷ مقررات بروکسل^۱، دادگاه محل وقوع رویداد زیان بار صالح به رسیدگی خواهد بود. در تفسیر این ماده در مورد هتک حیثیت، دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در دعوی Shevill v Presse Alliance SA (1995) معتقد بود خواهان می‌تواند دعوی خود را یا در کشور عضوی که مطالب افتراپی در آن توزیع شده اقامه کند یا در جایی که ناشر (خواننده) در آن «مستقر»^۲ است؛ طوری که دادگاه نخست باید نسبت به همه خسارات واردآمده رسیدگی کند و دادگاه دوم تنها نسبت به خسارات واقع شده در قلمرو خود امکان رسیدگی دارد (Stone, 2015: 13). بنابراین، دادگاه اروپایی هم دادگاه «محل استقرار ناشر» و هم دادگاه «محل توزیع» را با حدود مختلفی صالح تعیین کرد.

بدین ترتیب، در صورتی که خواهان بخواهد دعوا را در محل نشر یا توزیع افترا اقامه کند این امکان وجود دارد که دعوا در چندین حوزه قضایی به میزان خسارات واردآمده در قلمرو همان حوزه طرح شود؛ چنان که در برخی از کشورها هر بار مشاهده مطالب افتراآمیز ممکن است یک خطای جداگانه و منشأیی برای اقامه دعوا محسوب شود. بدین ترتیب، قانون کشور محل اقامه دعوا و محل وقوع خسارت بر دعوا حاکم خواهد شد. همچنین، اگر خواهان دعوی خویش را در محل استقرار ناشر مطرح کند، دادگاه که صلاحیت رسیدگی به همه دعوی جبران خسارت را دارد مجبور خواهد بود قوانین کشورهای دیگر درگیر در پرونده را بر یک «مبنای توزیعی»^۳ اعمال کند (Warshaw, 2006: 280-281)؛ طوری که بر یک دعوا با موضوع یکسان و طرفین یکسان قانون چندین کشور اعمال خواهد شد.

با استفاده از این مقررات صلاحیت، خواهان می‌تواند با اقامه دعوا در محل خسارت، ضمن تعیین گزینشی حوزه‌های قضایی، قانون ماهوی مدنظر خود را بر دعوا حاکم کند. این وضعیت به خصوص در جایی که خواهان بخواهد با اعمال قانون مدنظر خود «حق آزادی بیان» خواننده را سلب کند آثار بدی بر حقوق و آزادی‌های اشخاص جامعه می‌گذارد. همچنین، اگر خواهان دعوا را در یک دادگاه و برای همه خسارات وارده اقامه کند در عمل دادگاه را با مشکل مواجه می‌سازد. زیرا تفکیک آسیب‌های وارده بر حیثیت زیان‌دیده بر مبنای محل وقوع آن ناممکن خواهد بود.

در نتیجه، با توجه به ملاحظات بیان شده، عدم هماهنگ‌سازی قواعد حل تعارض در اتحادیه اروپا مطلوب نیست و لزوم همسان‌سازی این قواعد برای ارتقای قطعیت حقوقی و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی یکی از اصحاب دعوا ضروری به نظر می‌رسد.

حقوق ایران

در این مبحث، ابتدا شیوه اعمال قواعد حل تعارض قوانین نسبت به دعاوی مسئولیت مدنی ناشی از هتک حیثیت در حقوق ایران تبیین و تحلیل خواهد شد و سپس اعمال این رویکرد نسبت به دعاوی هتک حیثیت فرامرزی و آثار و پیامدهای ناشی از آن ارزیابی می‌شود.

قواعد تعارض قوانین قابل اعمال در هتک حیثیت

در حقوق ایران قاعده تعارض قوانین که اشاره‌ای به تعهدات غیرقراردادی داشته باشد وجود ندارد. با این حال، با استنباط از برخی مقررات قانون مدنی ایران می‌توان قواعد انتخاب قانونی را در این زمینه به دست آورد.

به موجب ماده ۵ قانون مدنی ایران، به عنوان یک اصل کلی، همه سکنة ایران تابع قوانین این کشور خواهند بود. بدین ترتیب، حاکمیت قانون مقر دادگاه می‌تواند به عنوان یک اصل در این خصوص پذیرفته شود. زیرا، بنا به اصل، قوانین ایران در داخل قلمرو سرزمینی این کشور و بر همه اشخاص و اموال موجود در آن حاکمیت دارد و بنابراین هرگاه بین اجرای قانون ایرانی و خارجی تردید حاصل شود قانون ایران باید بر ساکنان آن اجرا شود (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۲۲۴). از این رو، با توجه به عدم تصریح قانونگذار نسبت به قواعد انتخاب قانون در تعهدات غیرقراردادی باید قانون مقر دادگاه به عنوان اصل اعمال شود (طباطبایی و

1. Regulation (EU) No 1215/2012 of the European Parliament and of the Council of 12 December 2012 on jurisdiction and the recognition and enforcement of judgments in civil and commercial matters (recast)

2. established

3. distributive basis

شنیور، ۱۳۹۴: ۳۸). اما این فرض در صورتی است که طرفین ساکن ایران باشند و ماده یادشده تصویر کاملی از اصل سرزمینی بودن ارائه نمی‌دهد (طباطبایی‌نژاد و ایران‌پور، ۱۳۹۶: ۲۰۳). بنابراین، اگر طرفین دعوا ساکن ایران نباشند، مقرره یادشده راه‌حلی ندارد. با وجود این، در عمل، با توجه به قواعد صلاحیت قضایی بین‌المللی، قانون مقر دادگاه اغلب امکان اعمال را خواهد داشت. زیرا با توجه به مقررات قانون آیین دادرسی مدنی ایران که در مورد صلاحیت بین‌المللی نیز قابل استناد است (صفایی، ۱۳۹۳: ۱۹۲) محاکم ایرانی از همان ابتدا اصولاً به دعاوی طرفین غیرساکن در ایران رسیدگی نخواهند کرد.

با پذیرش حاکمیت قانون مقر دادگاه به عنوان یک اصل، قاعده حل تعارض قوانین به طور کامل بستگی به صلاحیت دادگاه رسیدگی‌کننده خواهد داشت و قانون قابل اعمال نمی‌تواند بدون توجه و ارجاع به قواعد صلاحیت قضایی تعیین شود. بر این اساس، قواعد صلاحیت قضایی ایران در خصوص هتک حیثیت نقش مهمی را در حاکمیت قانون ایران ایفا می‌کند. هرچند وجود مقررات صلاحیت ارتباط دعوا با مقر دادگاه را تا حدودی توجیه می‌کند، به هر صورت، محل انتشار محتوای افتراآمیز تأثیری در عدم اعمال قانون ایران نخواهد داشت و دادگاه ایرانی به محض احراز صلاحیت خود قانون ایران را بر دعوی هتک حیثیت اعمال خواهد کرد.

گفتنی است برخی با استناد به ماده ۹۶۸ قانون مدنی معتقدند که حقوق ایران از قاعده قانون محل وقوع فعل زیان‌بار پیروی کرده است. زیرا با استفاده از وحدت ملاک ماده یادشده که تعهدات ناشی از عقود را تابع منشأ آن دانسته است^۱ در تعهدات غیرقراردادی نیز قانون محل پدید آمدن منشأ این‌گونه تعهد حاکم خواهد بود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۹: ۴۹۷). بر همین مبنا، در تعارض قوانین نسبت به تعهدات اصل بر حاکمیت قانون محل وقوع آن‌ها است (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۵۸۰؛ صالحی ذهابی، ۱۳۸۱: ۱۲۶). همین راه‌حل در برخی از توافق‌نامه‌های دولت ایران با کشورهای خارجی نیز پذیرفته شده است. مثلاً در بند ۱ ماده ۳۴ قانون موافقت‌نامه میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه جهت معاضدت در پرونده‌های مدنی و جزایی مصوب ۱۳۷۸/۰۷/۱۸ مقرر شده: «مسئولیت جبران خسارت به استثنای تعهدات ناشی از قراردادها و سایر اقدامات حقوقی توسط قوانین آن طرف متعهده‌ی که عمل یا شرایطی که موجب مسئولیت جبران شده است در خاک آن به وقوع پیوسته تعیین می‌شود»^۲. بنابراین، قانون یادشده، ضمن اعمال تمایز بین تعهدات قراردادی و غیرقراردادی، قانون محل وقوع عمل زیان‌بار را حاکم بر دعاوی مسئولیت مدنی دانسته است.

با وجود آنکه این موافقت‌نامه‌ها در روابط دوجانبه بین ایران و کشورهای معینی ایجاد شده‌اند، مستفاد از ملاک این موافقت‌نامه‌ها می‌توان ابراز داشت که قانونگذار ایرانی حاکمیت محل وقوع را می‌پذیرد. زیرا دلیلی وجود ندارد که حقوق ایران در روابط بین برخی کشورها قانون محل وقوع را به کار گیرد و در خصوص سایر کشورها از قاعده حل تعارض دیگری استفاده کند (شریعت‌باقری، ۱۳۹۶: ۳۷۳). اما این عقیده را نمی‌توان پذیرفت. چون دولت ایران بنا به ملاحظات سیاسی و روابط متقابل چنین معاهداتی را منعقد کرده است؛ در حالی که در روابط بین دیگر کشورها چنین ملاحظاتی وجود ندارد. بنابراین، اعمال این قاعده را باید محدود به روابط بین دو دولت متعاقد دانست.

با اعمال این قاعده حل تعارض، به نظر می‌رسد محلی که مطالب افتراپی مشاهده شده با مفهوم عمل زیان‌بار مطابقت بیشتری داشته باشد و قانون آن کشور باید نسبت به دعوا اعمال شود. زیرا، بدون مشاهده مخاطبین، حیثیت زیان‌دیده هتک نشده و در آن محل است که عمل زیان‌بار تمام می‌شود. بدین ترتیب، دادگاه یا بر اساس قواعد صلاحیت خود نسبت به کل دعوا رسیدگی خواهد کرد یا تنها نسبت به خسارات وارده در قلمرو سرزمینی ایران. در فرض نخست، ناگزیر به اعمال قوانین مختلف با

۱. البته برخی معتقدند ماده ۹۶۸ قانون مدنی باید برخلاف منطوق آن تفسیر شود، به گونه‌ای که با اصل حاکمیت اراده سازگار آید. در نتیجه، قراردادها باید تابع قانون مورد توافق طرفین باشند. بدین ترتیب، ماده یادشده دیگر برای اجرای قانون محل انعقاد عقد، به عنوان منشأ تعهد، دلالت نمی‌کند و از این رو محل وقوع عمل زیان‌بار به عنوان منشأ تعهد در مسئولیت مدنی قابل پذیرش نخواهد بود (شریعت‌باقری، ۱۳۹۴: ۹۰).

۲. مقررات مشابهی در بند ۱ ماده ۳۰ قانون موافقت‌نامه معاضدت قضایی میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان مصوب ۱۳۷۸/۰۷/۱۸، ماده ۲۴ قانون موافقت‌نامه معاضدت و روابط قضایی در موضوعات مدنی و جزایی میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قزاقستان مصوب ۱۳۸۴/۰۷/۲۶ و بند ۱ ماده ۲۶ قانون موافقت‌نامه معاضدت حقوقی در امور مدنی و جزایی میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قرقیزستان مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۲۴ بیان شده است.

توجه به محل وقوع خطا خواهد بود. زیرا در دعاوی هتک حیثیت احتمال توزیع مطالب افتراپی در کشورهای متعدد متداول خواهد بود. در فرض دوم، دادگاه تنها قانون ایران را نسبت به قسمتی از دعا اعمال می‌کند.^۱

بررسی و نقد

برخلاف حقوق اتحادیه اروپا و انگلستان، که سکوت قانونگذاران ناشی از هراس دولت‌ها نسبت به پایمال شدن حقوق شهروندان خویش توسط قانون خارجی بود، به نظر، سکوت قانونگذار ایرانی از روی سهل‌انگاری و بی‌توجهی بوده است که ضرورت وضع قاعده خاصی را در این باره نشان می‌دهد. اما از آنجا که در دعاوی هتک حیثیت دو حق آزادی بیان و حفظ حیثیت اشخاص با یکدیگر در تعارض اند و سیستم‌های حقوقی ممکن است هر یک نگرش متفاوتی در حمایت از حقوق اشخاص جامعه خود اتخاذ کنند، یک قاعده حل تعارض مطلوب نیازمند توجه به فرهنگ و سنت‌های مورد احترام اشخاص است. بنابراین، اگر دادگاه ایرانی در دعاوی هتک حیثیت همواره قانون خود را نسبت به دعا اعمال کند این خطر وجود دارد که قانون ایران در دعوی حاکم شود که هیچ‌گونه ارتباطی با طرفین دعا ندارد و حقوق آنان را رعایت نکند و اعمال قواعد عام حل تعارض در مورد هتک حیثیت نمی‌تواند این ملاحظه را برآورده کند.

علاوه بر این، اعمال قاعده مقرر دادگاه سبب وجود قوانین قابل اعمال به تعداد دادگاه‌های صالح خواهد شد (Kuipers, 2011: 1699). این وضعیت به خصوص در جایی که صلاحیت دادگاه بر مبنای محل وقوع خسارت باشد مشکل‌ساز خواهد بود. زیرا با وجود چندین کشور که حیثیت زیان‌دیده در آن لطمه دیده اعمال صلاحیت چندین دادگاه نسبت به مقدار خسارات وارده در حوزه قضایی خودشان ممکن است و زیان‌دیده می‌تواند با بررسی قانون ماهوی هر یک از این کشورها دادگاه یا دادگاه‌های دلخواه خویش را برگزیند. با اقامه دعوی گزینشی خواهان، خوانده نمی‌تواند سرنوشت دعوی خویش را پیش‌بینی کند و در موضع بسیار ضعیف و بی‌دفاعی قرار می‌گیرد. در چنین حالتی، آزادی بیان ناشران و رسانه‌ها مهم‌ترین چالش پیش روی سیستم حقوقی ایران خواهد بود. همچنین، به کارگیری قاعده محل وقوع عمل زیان‌بار تنها در ارتباط با برخی کشورهای متعاقد چندان پیامد مطلوبی ندارد. زیرا در دعاوی هتک حیثیت که به طور عموم کشورهای متعددی درگیر هستند ممکن است قانون کشور ثالثی به عنوان قانون حاکم تعیین شود و در این صورت اعمال قانون دولت ثالث در روابط قضایی بین دو دولت متعاقد با فلسفه توافق‌نامه‌های دولتی مغایر به نظر می‌آید و مقصود معاهده را برآورده نمی‌کند. همین مسئله در رابطه با به کارگیری قاعده محل وقوع عمل زیان‌بار به طور کلی نیز وجود دارد. چون ممکن است منتهی به حاکمیت قانونی در قلمرو سرزمینی ایران شود که با ارزش‌های جامعه ایرانی ناهمگون باشد؛ چنان که حقوق انگلستان و اتحادیه اروپا اعمال قواعد کلی مبتنی بر محل وقوع عمل زیان‌بار را برای دعاوی هتک حیثیت تجویز نکرده‌اند.

با توجه به ملاحظات یادشده، به نظر می‌رسد قانونگذاران ایرانی باید در خصوص دعاوی هتک حیثیت اقدام به وضع قاعده حل تعارض قوانین خاصی کنند؛ طوری که قانون قابل اعمال ضمن حرمت نهادن به فرهنگ و سنت و ارزش‌های ایرانی بتواند عدالت را بین طرفین دعا به ارمغان آورد. علاوه بر این، قاعده حل تعارض باید با پیشرفت‌های رسانه‌ها همگام باشد. بر این اساس، محل اقامت عادی^۲ زیان‌دیده به عنوان عامل ارتباطی مطلوب برای قانونگذاران ایرانی پیشنهاد می‌شود. چون این عامل ارتباطی قانونی غیرمتعدد و قابل پیش‌بینی را تعیین می‌کند؛ به گونه‌ای که خوانده در زمان انتشار مطالب خویش به راحتی می‌تواند از محل عادی زیان‌دیده آگاهی یابد. همچنین، اعمال این قاعده منجر به حاکمیت قانونی خواهد شد که بیشترین ارتباط را با دعا دارد و عمده‌ترین میزان خسارت در این محل روی می‌دهد. زیرا هنجارها و ارزش‌های اجتماعی محل اقامت خواهان بر حیثیت وی تأثیرگذار است و این محل را می‌توان مرکز مهم منافع او دانست.

۱. گفتمنی است حاکمیت قانون مناسب نیز در دعاوی ناشی از تعهدات غیرقراردادی پیشنهاد شده است. مطابق این عقیده، در هر عمل نامشروع که منجر به وقوع خسارت می‌شود دادگاه رسیدگی‌کننده باید با ملاحظه اوضاع و احوال پرونده و عوامل مؤثر بر آن عامل ارتباطی را برگزیند که بیشترین نزدیکی را با دعا دارد (سلجوقی، ۱۴۰۰: ۳۹۳ - ۳۹۴). اما با سکوت قانونگذار ایرانی پذیرش این قاعده تنها استثنایی بر اصل حاکمیت قانون محل وقوع عمل زیان‌بار خواهد بود (نیازی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۶)؛ زیرا اعمال همیشگی قاعده حل تعارض محل وقوع فعل زیان‌بار می‌تواند در پاره‌ای از موارد منجر به نتایج نامطلوبی شود (صالحی ذهابی، ۱۳۸۱: ۱۲۶ - ۱۲۸).

2. habitual residence

نتیجه

بر اساس مطالعه انجام گرفته در سیستم‌های حقوقی انگلستان، اتحادیه اروپا، و ایران مشخص شد هیچ‌گونه قاعده حل تعارض ویژه‌ای برای دعاوی هتک حیثیت وضع نشده است و حتی در انگلستان و اتحادیه اروپا قانونگذاران از اعمال قواعد عمومی حل تعارض در الزام‌های غیرقراردادی نسبت به دعاوی هتک حیثیت خودداری کرده‌اند. اما در ایران با سکوت قانونگذار ممکن است قواعد عمومی انتخاب قانون در دعاوی مسئولیت مدنی ناشی از هتک حیثیت نیز به کار گرفته شود.

بررسی قواعد حل تعارض قوانین انگلستان نشان می‌دهد با خروج هتک حیثیت از شمول مقررات عمومی انتخاب قانون در دعاوی مسئولیت مدنی که قانون محل ارتکاب فعل زیان‌بار را پذیرفته قانونگذار انگلیسی سعی داشته است تا با اعمال قاعده حل تعارض کامن‌لو اشخاص جامعه خود را از حداقل حمایت‌های قانونی کشور خود برخوردار کند. چنین رویکردی نشان می‌دهد قانونگذار انگلیسی از پایمال شدن حقوق اشخاص جامعه خود توسط قانون خارجی، در دادگاه انگلیسی، هراس داشته و هرچند اعمال قانون محل ارتکاب را برای دیگر دعاوی مسئولیت مدنی تجویز کرده، چنین رویکردی را برای دعاوی هتک حیثیت تنها در صورتی روا دانسته است که قانون انگلستان نیز عمل ارتکاب یافته را موجب مسئولیت بداند. لیکن این نگرش چندان مطلوب به نظر نمی‌آید. زیرا قواعد سنتی کامن‌لو در این زمینه قدیمی است و با شرایط کنونی رسانه‌ها و پیشرفت‌های آن همخوانی ندارد. هر چند در مقررات رم ۲، قاعده محل وقوع خسارت برای دیگر دعاوی مرتبط با الزام‌های غیرقراردادی اعمال می‌شود، اما در دعاوی هتک حیثیت پذیرفته نشده است. اعمال قانون محل وقوع خسارت در دعاوی هتک حیثیت سبب می‌شود دادگاه‌های کشورهای عضو در پاره‌ای از موارد قانون کشور خارجی را اعمال کنند که برخی از حقوق شهروندان را نقض می‌کند. اما این رویکرد وضعیت نامطلوبی را در سطح اتحادیه اروپا به وجود خواهد آورد. زیرا با خروج هتک حیثیت از مقررات رم ۲ ناگزیر قواعد حل تعارض ملی کشورهای عضو در این باره اعمال می‌شود که در کنار وجود سنت‌ها و عقاید مختلف در بین کشورهای اروپایی، باعث خواهد شد تا به تعداد این کشورها قانون قابل اعمال وجود داشته باشد. این امر به شدت آثار نامناسبی بر قابلیت پیش‌بینی و قطعیت حقوقی دارد که با اهداف این مقررات در تعارض است.

در حقوق ایران، عدم وضع قواعد حل تعارض خاص برای دعاوی هتک حیثیت و اعمال قواعد عمومی انتخاب قانون در این خصوص ناشی از غفلت قانونگذاران بوده است که ضرورت ایجاد قواعد انتخاب قانون متناسب را بیش از سایر سیستم‌های حقوقی مورد مطالعه نشان می‌دهد. زیرا عدم وضع قاعده حل تعارض خاص باعث به‌کارگیری قواعد عام حل تعارض مطابق با اصل سرزمینی بودن قوانین ایران شده است؛ طوری که دادگاه ایرانی پس از احراز صلاحیت خود قانون ایران را اعمال خواهد کرد. به‌کارگیری چنین قاعده‌ای می‌تواند منجر به سوءاستفاده خواهان شود که با اقامه دعوا در ایران می‌تواند قانون این کشور را نیز بر دعوا حاکم کند.

بنابراین، قواعد ارائه شده در سه سیستم حقوقی مورد مطالعه کاستی دارد و پیامدهای مطلوبی را برای اصحاب دعوا به همراه نخواهد داشت. به همین دلیل، این سیستم‌ها نیازمند اصلاح قواعد حل تعارض قوانین خود در زمینه دعاوی هتک حیثیت هستند. بدین جهت، پیشنهاد می‌شود سیستم‌های حقوقی مورد مطالعه محل اقامت عادی زیان‌دیده را به عنوان عامل ارتباطی در دعاوی هتک حیثیت استفاده کنند. چون این عامل ارتباطی با تعیین قانون واحد برای دعاوی هتک حیثیت، ضمن هماهنگی با پیشرفت ابزار نوین رسانه‌ای، از قابلیت پیش‌بینی و قطعیت حقوقی برخوردار است و حاکمیت قانونی را تضمین می‌کند که ارتباط عمده‌ای با دعوا دارد.

منابع

- افشار، حسن (۱۳۹۴). *مسئولیت مدنی جبران خسارت معنوی در حقوق ایران*. تهران: مجد.
- پروین، فرهاد (۱۳۸۲). *خسارات معنوی در حقوق ایران*. تهران: ققنوس.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۹). *مجموعه محشی قانون مدنی (علمی-تطبیقی-تاریخی)*. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- سلجوقی، محمود (۱۴۰۰). *حقوق بین الملل خصوصی*. تهران: میزان. ج ۲.
- سلطانی نژاد، هدایت‌الله (۱۳۹۴). *بررسی تطبیقی خسارت معنوی*. تهران: میزان دانش.
- شریعت‌باقری، محمدجواد (۱۳۹۴). *چگونگی تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی. تحقیقات حقوقی*، ۱۸(۷۲)، ۷۱-۹۵.
- _____ (۱۳۹۶). *حقوق بین الملل خصوصی*. تهران: میزان.
- صالحی ذهابی، جمال (۱۳۸۱). *مسئولیت مدنی و قانون حاکم بر آن در تعارض قوانین. صنعت بیمه*، ۳(۶۷)، ۱۰۱-۱۳۰.
- صفایی، سید حسین (۱۳۹۳). *مباحثی از حقوق بین الملل خصوصی*. تهران: میزان.
- صفایی معافی، سید حسین؛ ایمان‌پور، اکبر و دریایی، رضا (۱۴۰۱). *ضوابط مطالبه خسارت زیان دیدگان ثانویه روانی در حقوق انگلستان و کاربرد آن در حقوق ایران*. *مطالعات حقوق تطبیقی*، ش ۱، ۲۵۷-۲۷۸.
- طباطبایی، سید محمدصادق و شنیور، قادر (۱۳۹۴). *مطالعه تطبیقی قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در حقوق ایران و انگلیس از منظر تعارض قوانین. حقوق تطبیقی*، ۲(۲)، ۲۵-۴۴.
- طباطبایی نژاد، سید محمد و ایران‌پور، فرهاد (۱۳۹۶). *تعارض قوانین در مسئولیت مدنی*. تهران: میزان.
- غلاملو، جمشید و دریایی، رضا (۱۴۰۱). *توهین، افترا، و نشر اکاذیب تعزیری؛ از جرم‌انگاری تا جرم‌زدایی با تأکید بر الگوی حقوق مدنی. آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۹(۲۳)، ۲۰۳-۲۴۰.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸). *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*. تهران: انتشار.
- _____ (۱۳۹۴). *قانون مدنی در نظم حقوق کنونی*. تهران: میزان.
- نیازی، عباس؛ یزدانین، علی‌رضا و جلالی، محمود (۱۳۹۶). *بررسی تطبیقی قانون حاکم بر مسئولیت مدنی با وجود عنصر خارجی در حقوق ایران. دانش حقوق مدنی*، ۱۲(۲)، ۷۷-۸۹.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۳). *جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص*. تهران: میزان.
- Afshar, H. (2015). *Compensation for Moral Damages in Iranian Law*. Tehran: Majd. (in Persian)
- Aldag, O. (2017). Jurisdiction after Brexit and the Applicable Law on Cyber Defamation Claims in the United Kingdom's and Germany's Private International Law. *Anglo-German Law Journal*, 3, 7-32
- Asensio, P. D. M. (2020). *Conflict of Laws and the Internet*. Cheltenham: Edward Elgar Publishing Limited.
- Briggs, A. (2013). *The conflict of Laws*. Oxford: Oxford University Press.
- Council of Europe (2019). *Liability and Jurisdictional Issues in Online Defamation Case*.
- Elliott, C. & Quinn, F. (2017). *Tort Law*. Harlow: Pearson Education Limited.
- European Commission (2009). *Comparative study on the situation in the 27 Member States as regards the law applicable to non-contractual obligations arising out of violations of privacy and rights relating to personality*.
- Gholamloo, J. & Daryaei, R. (2022). Defamation Crimes: From Criminalization to Decriminalization and Civil Law Model. *Criminal Law Doctrines*, 19(23), 203-240. (in Persian)
- Gillies, L. (2012). Jurisdiction for cross-border breach of personality and defamation: EDate Advertising and Martinez. *International and Comparative Law Quarterly*, Vol. 61, 1007-1016.
- Grušić, U. & Mills, A. (2023). Phillips v Eyre (1870). In *Landmark Cases in Private International Law*. Edited by William Day & Louise Merrett. Oxford: HART Publishing.
- Grušić, U. (2018). Acts Of Torture As An Instrument Of Government Policy In The Colony Of Cyprus In The 1950s And Choice Of Law. *International & Comparative Law Quarterly*, 67(4), 1005-1020.
- Hartley, T. (2009). *International Commercial Litigation (Text, Cases and Materials on Private International Law)*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hörnle, J. (2021). *Internet Jurisdiction (Law and Practice)*. Oxford: Oxford University Press.
- Jafari Langroudi, M.J. (2019). *Annotated Civil Code of Iran (Scientific-Comparative-Historical)*. Tehran: Ganj Danesh Library. (in Persian)
- Katouzian, N. (2008). *Introduction to the science of law and study in Iran's legal system*. Tehran: Enteshar. (in Persian)
- (2014). *Civil law in the current legal order*. Tehran: Mizan publication. (in Persian)

- Kenny, D. & Heffernan, L. (2015). Defamation and privacy and the Rome II Regulation. In *Research Handbook on EU Private International Law*. Edited by Peter Stone & Youseph Farah. Cheltenham: Edward Elgar Publishing Limited.
- Kuipers, J. (2011). Towards a European Approach in the Cross-Border Infringement of Personality Rights. *German Law Journal*, 12(8), 1681-1706. doi:10.1017/S2071832200017491
- Martin, E. (2011). *Oxford Dictionary of Law*. Oxford: Oxford University Press.
- Mills, A. (2015). The law applicable to cross-border defamation on social media: whose law governs free speech in 'Facebookistan'?. *Journal of Media Law*, 7(1), 1-35.
- (2017). Choice of law in defamation and the regulation of free speech on social media: nineteenth-century law meets twenty-first century problems. In *The Legal Challenges of Social Media*. Edited by David Mangan & Lorna E. Gillies. Cheltenham: Edward Elgar Publishing Limited.
- Mirmohammad-Sadeghi, H. (2014). *Offences Against The Person*. Tehran: Mizan. (in Persian)
- Niazi, A., Yazdani, A., & Jalali, M. (2017). Comparative Investigation of Laws Applicable to Civil Liability in Presence of External Factor. *Civil Law Knowledge*, 6(2), 77-89. (in Persian)
- Nielsen, P. A. (2013). Libel Tourism: English and EU Private International Law. *Journal of Private International Law*, 9(2), 269-288.
- (2019). Choice of Law for Defamation, Privacy Rights and Freedom of Speech. *OSLO Law Review*, 6(1), 32-42.
- Parvin, F. (2003). *Moral Damages in Iranian Law*. Tehran: Ghoghnoos Publishing. (in Persian)
- Rogerson, P. (2013). *Collier's Conflict of Laws*. Fourth Edition. New York: Cambridge University Press.
- Safai, S. H. (2014). *Studies of Private International Law*. Mizan publishing. (in Persian)
- Safaei Moafi, S. H., Imanpour, A., & Daryaei, R. (2022). Criteria for claiming compensation for secondary psychiatric victims in English law and its application in Iranian law. *Comparative Law Review*, 13(1), 257-278. doi: 10.22059/jcl.2022.334558.634278. (in Persian)
- Saldjoughi, M. (2021). *Private International Law*. Tehran: Mizan publishing. Vol. 2. (in Persian)
- Salehi Zahabi, J. (2002). Civil liability and the law governing it in conflict of laws. *Insurance Industry Quarterly*, 3(67), 101-130. (in Persian)
- Shariat-Bagheri, M.J. (2016). Why and how to determine the law governing civil responsibility. *Legal Research Quarterly*, 18(72), 71-95. (in Persian)
- (2018). *Private International Law*. Tehran: Mizan publishing. (in Persian)
- Soltaninejad, H. (2015). *A Comparative Study on Moral Damage*. Tehran: Mizan Danesh. (in Persian)
- Stone, P. (2015). Internet transactions and activities. In *Research Handbook on EU Private International Law*. Edited by Peter Stone & Youseph Farah. Cheltenham: Edward Elgar Publishing Limited.
- Svantesson, D. J. B. (2016). *Private International Law and the Internet*. Netherlands: Kluwer Law International BV.
- Tabatabaei, S. M. S. & Sheneivar, G. (2016). A Comparative Study of the Law Governing the Civil Liability in Iranian and English Law from the Conflict of Laws' Perspective. *Journal of Comparative Law*, 2(2), 25-44. (in Persian)
- Tabatabaei-nejad, S. M. & Iranpour, F. (2016). *Conflict of laws in tort*. Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)
- Warshaw, A. (2006). Uncertainty from Abroad: Rome II and the Choice of Law for Defamation Claims. *Brooklyn Journal of International Law*, 32(1), 269-309.
- Wass, J. & Hook, M. (2017). Reform of Choice of Law Rules for Tort. *New Zealand Law Journal*, 24, 24-26.